

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

بهرام رحمانی
۱۸ اپریل ۲۰۱۵

گراس خطاب به کمال:
«ما دو نویسنده روستائی هستیم که در پایتخت بزرگ نشده ایم...»
(به یاد گونتر ویلم گراس)

۲



گونتر گراس در اظهار نظر دیگری در حاشیه داستان خوانی اش در شهر «دمولد» آلمان، درباره چشم انداز یک صلح پایدار در اوکراین به یک روزنامه محلی گفته است: «گمان نمی‌کنم توافق‌نامه مینسک ثمر بدهد و به صلحی پایدار در اوکراین بینجامد. تصور می‌کنم که نه اوکراین و نه روسیه، هیچ‌کدام بر نیروهای نظامی متخاصم در این منطقه تسلط ندارند. در هر دو طرف، شبه‌نظامیان و فرماندهانی هستند که بیش از آن که به فکر صلح باشند، علائقی دارند که در جنگ تأمین می‌شود.»

گونتر گراس با این حال مذاکره درباره صلح را تنها راهکار حل این بحران می‌داند: «تا وقتی که مذاکرات جریان دارد، اسلحه‌ای شلیک نمی‌شود.»

به گمان این نویسنده، مسلح کردن ارتش اوکراین با سلاح‌های سنگین از سوی ایالت متحده آمریکا نه تنها کمکی به حل مناقشه اوکراین نمی‌کند، بلکه دامنه جنگ را گسترده‌تر خواهد کرد و حتی ممکن است این درگیری منطقه‌ای را در حد یک «جنگ نیابتی» بین قدرت‌های جهانی گسترش دهد.

گونتر گراس در این گفت‌وگو یک بار دیگر نسبت به فراگیر شدن بحران‌های منطقه‌ای هشدار داد و گفت: «این روزها عده‌ای بیمناک‌اند که نکند جنگ جهانی دیگری در بگیری. غافل از آنکه ممکن است این جنگ از مدت‌ها پیش آغاز شده باشد. منتها شکل آن با دو جنگ جهانی پیشین تفاوت دارد.»

گراس نخستین بار اکتوبر سال ۲۰۱۳ در یک سخنرانی جنجالی در دانشگاه هانوفر آلمان از جنگ جهانی سوم سخن در میان آورده بود. او با اشاره به جنگ‌های منطقه‌ای در خاورمیانه، شرق اوکراین و در برخی کشورهای آفریقایی

گفته بود: «اگر بخواهیم واقعیت را به شکل رادیکال بیان کنیم، باید بگوئیم که مدتی است جنگ جهانی سوم درگرفته. هر چه که می‌گذرد بر تعداد کشورهای در جنگ اضافه می‌شود.»

وی سپس در سخنرانی‌اش در دانشگاه هانوفر به چشم‌انداز دموکراسی در آینده اشاره کرده و گفته بود: «نه راست‌گرائی رادیکال و نه اسلام، هیچ‌یک خطری برای دموکراسی‌های غربی نیست. لابی‌گری در پارلمان اروپا و در کشورهای اروپائی است که دموکراسی را به خطر انداخته است.»

این‌بار هم گونتر گراس به نقش بانک‌ها و لابی‌گران در پیدایش و تداوم بحران‌ها و جنگ‌ها اشاره کرد و گفت: «دست سیاست‌مداران روز به روز بیش‌تر از پیش بسته می‌ماند. بانک‌ها و لابی‌گرها از قدرت بیش‌تری برخوردار شده‌اند و به همین دلیل پارلمان کشورهای اروپائی با نمایندگانی که به طور دموکراتیک انتخاب شده‌اند، به عرصه‌ای برای ساخت و پاخت‌های اقتصادی فروکاسته. یافتن راهکارهای سیاسی برای حل بحران‌ها دشوارتر از پیش شده است.»

گونتر گراس در این گفت‌وگو، به جنگ‌های سایبری هم اشاره کرد: «از طریق اینترنت سیستم‌هایی را مسدود می‌کنند و جنگ‌های اقتصادی به راه می‌اندازند. این شیوه‌های تازه به موازات درگیری‌های خونین در اوکراین، سوریه و دیگر نقاط جهان به کار گرفته می‌شود.»

این نویسنده ۸۷ ساله و برنده نوبل ادبی در پایان این گفت‌وگو نسبت به تحولات اخیر در جهان اظهار نگرانی کرده است.

شهر اوسنابروک پنج‌شنبه ۲۳ جنوری ۲۰۱۴، میزبان گونتر گراس بود. گراس در مقدمه این حضور ابتداء از نمایشگاهی از آثار خودش بازدید کرد که مشتمل بر ۳۰ اثر گرافیکی از وی بود که در گالری «کونست - کوآرتیر» به نمایش درآمده‌اند.

گراس در محل این نمایشگاه، با انتقاد سخت از موضع دولت فدرال المان در مسأله جاسوسی سازمان امنیت ملی امریکا و با انتقاد شدید خود از آنگلا مرکل اظهار داشت: ما با استفاده از این راه و روش بزدلانه در حقیقت استقلال و خودمختاری کشورمان را زیر سؤال می‌بریم. امریکا به عنوان «امپریالیسم جهانی» به خودش اجازه می‌دهد تا رفتاری را داشته باشد که مغایر با قانون اساسی است.

گراس افزود: زمانی که نویسندگان جوان می‌خواستند نامه‌ای در مورد اعتراض به جاسوسی امریکا تسلیم آنگلا مرکل کنند، او نه تنها شخصا برای دریافت این نامه نرفت بلکه یک مأمور دون پایه را برای دریافت این نامه فرستاد. حتی در زمان لودویگ ارهارد صدراعظم المان غربی هم چنین رفتاری صورت نگرفته بود. این رفتار مرکل نشان‌دهنده نادیده گرفتن ادبیات از جانب وی است.

گونتر گراس در تالار صلح شهرداری اوسنابروک از سوی ولفگانگ گریسرت شهردار کل این شهر با استقبال روبه‌رو شد و در پاسخ به خوش‌آمدگویی وی خاطرات خود مربوط به تحقیق برای نگارش رمان «ملاقات در تلگته» که وی را به اوسنابروک کشیده بود، را یادآوری کرد. وی همچنین آشکار کرد آنچه به شدت او را به این شهر مرتبط می‌کند خاطرات اریش ماریا ریمارکو و رمان ضد جنگ او با نام «در غرب هیچ چیز جدیدی نیست» است.

گونتر گراس، قبل از انتشار رمان برجسته‌اش «طبل‌حلی» به گروهی به نام «گروه ۴۷» می‌پیوندد. نویسندگانی که در سال‌های پرتلهاب قرن بیستم یک پایشان در محافل حزبی و سیاسی بود و یک پای‌شان در جلسه های ادبی.

این گروه از هنرمندان و نویسندگان پیشرو و سوسیالیست مانند «هاینریش بل» تشکیل شده بود که از سیاست محافظهکارانه دولت المان بعد از جنگ جهانی دوم انتقاد می‌کرد و همچنین معتقد به جنبش عدالت‌خواهانه پی‌گیر از سوی احزاب چپ بود. گونتر گراس، ترسی از فعالیت سیاسی به شکل مشخص خود نداشت و معتقد بود که هنرمند باید در سیاست دخالت کند و به هیچ‌وجه نگران آسیب‌پذیری وجه هنری آثارش نباشد.

گراس در جواب به سؤالی درباره گروه ۴۷ گفته است: «این کوششی است جهت برقراری رابطه با تجربیات آن زمان. برای من گروه ۴۷ خوشبختی بزرگی بود. امکانی بود که در این انزوای دائم پروسه نوشتن - که خود البته بسیار عالی است - وقفه‌ای ایجاد شود. آن جلسات باعث رشد محاوره‌ای صمیمی و همکارانه بود. از این‌رو من ده سال پیش سعی کردم از دید خودم چنین امکانی را در اختیار نویسندگان جوان قرار بدهم - چرا که متوجه شدم آن‌ها گرچه بسیار درگیر ادبیات هستند، اما دائماً تحت نظارت افکار عمومی قرار دارند.»

گروه ۴۷، عنوانی است که به شرکت‌کنندگان در جلسات ادبی نویسندگان المانی زبان از سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۶۷ اطلاق می‌شود. این جلسات در خانه نویسنده المانی هانس ورنر ریشر تشکیل می‌شد. گروه ۴۷ نقش مهمی در رشد و تکامل ادبیات المانی بازی کرده است. از شرکت‌کنندگان در جلسات گروه، می‌توان از ارنست آگوستین، اریش فرید، والتر ینس، هانریش بول، مارتین والتسر، گونتر گراس، زیگفرد لنتس، و... نام برد.

گونتر گراس تا اواخر دهه ۱۹۹۰، همچنان با حملات بی‌رحمانه گرایش‌های راست و محافظه‌کار ادبی و سیاسی روبه‌رو بود. به آثار قدیمی و تازه وی بی‌مهری‌ها و توجه کمتری می‌شد. گفته می‌شد که او به جای توجه به شکل و سبک ادبی، به طور خام و عیان به تنش‌های سیاسی و مشکلات اجتماعی می‌پردازد.

اما وی با سه اثر پر اهمیت عرصه «فراخ»، «قرن من» و «با گام خرچنگ»، اما محکم و علمی و ادبی، جواب مخالفین خود را داده بود که حاضر نیست تعهد و شعور انسانی را تنها در عرصه «ادبیات» محدود کند. وی در هر مقاله و هر گفت‌وگو، بر مسئولیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود، پافشاری می‌کرد و می‌گفت: «روشنفکری که نمی‌خواهد به مقوله‌های ادبی صرف دل خوش کند و در برابر مسائل حساس روز خاموش بماند...»

گراس، به عنوان مثال نمایش‌نامه معروفش با عنوان «پابره‌ها تمرین انقلاب می‌کنند» در واقع نقدی بر موضع‌گیری سیاسی بخشی از روشنفکران چپ در مقابل قیام کارگران در برلین شرقی در سال ۱۹۵۳ است. گونتر گراس، خلاف خیلی از هم‌دوره‌هایش ساکت نماند و تا آخر عمرش نسبت به امور سیاسی و اجتماعی دغدغه نشان داد.

آثار گراس

گراس رمان سه‌گانه «طبل حلبی»، «موش و گربه» و «سال‌های سگی» را در دهه ۱۹۶۰ نوشت و تقریباً ۵۰ سال پس از انتشار آن‌ها، «آخرین رقص»، «داستان‌های هانس کریستیان آندرسن از دیدگاه گراس»، «پوست‌کندن پیاز» را منتشر کرد. در سه اثر پر اهمیت «عرصه فراخ»، «قرن من» و «با گام خرچنگ» گراس نشان داده که حاضر نیست تعهد سیاسی، اجتماعی و انسانی را تعدیل کند.

گونتر گراس علاوه بر نوشتن رمان و داستان‌های کوتاه و انتشار کتاب‌های طراحی و آلبوم‌هایی از آثار خود، چند نمایشنامه نیز به رشته تحریر درآورده است: از جمله نمایشنامه «سپیل» که در سال ۱۹۵۷ منتشر شده و از کارهای اولیه او به شمار می‌رود. گراس در این اثر مسأله محیط زیست و حفظ یا انهدام آن را به گونه‌ای طنزآلود مطرح کرده است. این نمایشنامه که موضوع آن امروز هم در راستای بحث دگرگونی‌های جوی و گرم شدن زمین همچنان

بهروز است، کمتر مورد توجه دست‌اندرکاران تئاتر قرار گرفته و تنها گروه‌های نمایشی مدارس و دانشجویان، آن را اجراء و به روی صحنه آورده‌اند.

وی همچنین در نقاشی و مجسمه‌سازی موفق بود. او مجسمه‌سازی و گرافیک را از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۲ در آکادمی هنر دوسلدورف آموخته بود. پس از آن شاگرد مجسمه‌سازی کارل هارتونگ، هنرمند المانی، در برلین شد. روزنامه گاردین درباره گراس، نوشته است: گراس موفقیت را با تحقیق و کاوش در هر شکل هنری به دست آورد. از شعر تا نمایشنامه و از مجسمه تا هنر گرافیک. اما با انتشار اولین رمانش با عنوان، «طبل حلبی» در سال ۱۹۵۹ و کسب جایزه نوبل ادبیات، به شهرتی جهانی رسید. وی همیشه به دنبال فعالیت‌های انسانی از جمله کمپین برای صلح و محیط زیست بود.

آثار دیگر گوئنتر گراس که می‌توان از آن‌ها یاد کرد عبارتند از:

آشپزهای بدجنس (۱۹۵۶): نمایشنامه‌ای بر اساس آن در سال ۱۹۶۱ در برلین غربی روی صحنه رفت؛ طبل حلبی (۱۹۵۹): برنده نوبل ادبیات ۱۹۹۹؛ موش و گربه (۱۹۶۱): به رشته تحریر در آمد. فلمی بر اساس رمان «موش و گربه» ساخته شد؛ سال‌های سگی (۱۹۶۳)؛ مجموعه اشعار (۱۹۷۱)؛ رمان سفره ماهی (۱۹۷۷): وی، به عدم کنترل انسان بر خواسته‌ها و امیالش می‌پردازد. در این رمان طبقات مختلف برلین، نمایانده شده است؛ دفتر خاطرات یک حلزون (۱۹۷۲): رمان؛ سفره ماهی (کفچه ماهی) (۱۹۷۷): رمان؛ داستان «نسل المانی‌ها منقرض می‌شود» (۱۹۸۰)؛ رمان ماده موش صحرائی (۱۹۸۶): این رمان دنباله طبل حلبی است؛ داستان بلند «نفوس بد زدن» (۱۹۹۲)؛ آوای وزغ (۱۹۹۲)؛ قرن من (۱۹۹۹): در سال ۲۰۰۰، صحنه‌هایی از این اثر در تئاتر تالیا در هامبورگ به نمایش در آمد؛ مسیر خرچنگ (بر گام خرچنگ) (۲۰۰۲)؛ واپسین رقص‌ها (۲۰۰۳) مجموعه‌ای از شعر و طراحی‌های اوست؛ داستان‌های هانس کریستیان آندرسن از دیدگاه گوئنتر گراس (۲۰۰۵)؛ پوست کندن پیاز (۲۰۰۷).

آخرین رمان منتشر شده از گوئنتر گراس به سال ۲۰۰۸ برمی‌گردد. وی در آن زمان رمان خود زندگینامه‌ای «جعبه» را منتشر کرد. وی همچنین در هشتاد و پنجمین سالگرد تولدش یک کتاب شعر با عنوان «حشره یک روزه» را به زیر چاپ برد که مشتمل بر موضوعات پیری و مرگ بود.

در دفتر خاطرات یک حلزون، می‌خوانیم: «سودازدگی* دیگر یک پدیده شخصی یا یک استثناء نیست. مزیت طبقاتی تمامی حقوق‌بگیران است؛ قالب فکری جمعی که هدف زندگی‌شان با سهمیه تولید گره خورده است.» (*سودازدگی: مالیخولیا)

در حال کندن پوست پیاز نیز آمده است: «حافظه دوست دارد با ما قایم‌موشک بازی کند و از ما دور شود. حافظه دوست دارد سخنرانی کند یا خود را جلوه دهد، بی‌آنکه نیازی به این کار باشد. حافظه حتی خود را نقض می‌کند؛ درست است، فضل فروشی می‌کند، اما همینی است که هست.» «من سکوت اختیار کرده بودم. چون خیلی‌های دیگر ساکت مانده بودند، جلوی این وسوسه را نمی‌توان گرفت... تقصیر را بر سر گناه جمعی بیندازیم، یا در مورد خودمان صحبت کنیم اما از نگاه شخص سوم. او بود، دید، انجام داد، گفت، او ساکت ماند...»

«سال‌های سگی»، سومین اثر گراس، رویدادهای دوران حکمرانی نازی‌ها را از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ میلادی در المان بیانگر می‌شود.

گراس در این اثر به جای هیتلر، سگ او را در محور داستانش قرار می‌دهد و از طریق بررسی سجرنامه سگ «ادولف هیتلر» رهبر نازی‌های المان، ایدیولوژی فاشیسم را به استهزاء می‌گیرد. سال‌های سگی، تاریخ المان را پس از جنگ جهانی

اول تا دوران شکوفائی معجزه آسای اقتصادی اش بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۷/۵۸، با نگاهی ادیبانه، سیاسی و اجتماعی و با قلمی تیزبین به رشته تحریر درآورده است.

جایزه نوبل ادبی و دیگر جوایز گراس

در همین سال‌ها، توجه به آثار گونتر گراس رو به افزایش بود. شاید همین پشتوانه مردمی بود که او توانست با نیروئی خستگی‌ناپذیر به کار و خلاقیت خود ادامه دهد. این حمایت با جایزه ادبی نوبل به اوج رسید. هنگامی که در سال ۱۹۹۹، کمیته نوبل او را برنده رشته ادبیات اعلام کرد، برخی از منتقدان و محافل ادبی المان، از محبوبیت گونتر گراس در جهان خارج حیرت کردند.

کمیته جایزه نوبل در تقدیم‌نامه خود، استدلال کرده بود که گونتر گراس «با رنگ‌های سیاه و زنده چهره فراموش شده تاریخ را نشان داده است.»

دیگر جوایز وی، عبارتند از:

جایزه گنورگ بوشنر در سال ۱۹۶۵؛ جایزه توماس مان در سال ۱۹۹۶؛ جایزه شاهزاده آستوریا در سال ۱۹۹۹؛ جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۹۹؛ دکترای افتخاری از دانشگاه آزاد برلین در سال ۲۰۰۵؛ دکترای افتخاری دانشگاه هاروارد ۱۹۷۶؛ مدال آکساندر مایاکوفسکی در زادگاه خود دانسیک (لهستان) ۱۹۷۸. گونترگراس، همچنین در سال ۲۰۱۳، از سوی مجله «سیسرو» به عنوان روشنفکر شماره یک المانی‌زبان شناخته شد.

یاشار کمال و گونتر گراس

از سری برنامه‌های فرهنگی «انستیتو گوته» در ترکیه، تحت عنوان «ادبیات اروپائی به ترکیه می‌رود-ادبیات ترکیه به اروپا» است که در ماه مارچ ۲۰۰۹-اسفند [حوت] ۱۳۸۷، برگزار شده بود.

سالن تئاتر «محسن ارتوقال» میزبان کتابخوانان و علاقه‌مندان فراوانی از ترکیه و خارج از آن برای شرکت در این جلسه بود. در این جلسه، یاشار کمال همراه با گونتر گراس به ارائه دیدگاه‌هایشان درباره ادبیات و نقش آن در تحولات اجتماعی پرداختند.

مذاکره دو نویسنده حاوی دو نقطه نظر نسبتاً مشترک در زمینه گرایش‌های دو نویسنده به جوامع‌شان و موضع‌گیری در برابر گفتمان‌های غالب بود.

در رابطه با زمینه‌های مشترک این دو نویسنده، گونتر گراس در سخنرانی خود گفت: «ما دو نویسنده روستائی غیرپایتختی هستیم و همه تجربه‌های روستائی‌مان را تبدیل به قصه کرده‌ایم. چرا که انگار این روستاها را مرکز جهان تلقی می‌کردیم.»

گونتر گراس در باره تأثیر ادبیات بر جوامع به عنوان موضوع اصلی جلسه، چنین اثری را بسیار آرام و آهسته دانست و گفت باور دارد اگر از ادبیات انتظار تأثیر سریع و مقطعی باشد، مربوط به ادبیات عامه‌پسند است. گراس در این‌باره افزود: «اگر به جامعه امروز نگاه کنیم، شاید بازی فوتبال بیش از ادبیات مردم را مجذوب می‌کند.»

گراس، افزود: «آیا ادبیات تلاشی برای باز آفرینی آنچه که از دست رفته است، نیست؟... قطعاً چنین انتخابی تعمدی نیست که من در همه آثارم به زادگاهم رجوع کرده‌ام. همیشه از من می‌پرسند آیا من نویسنده‌ای سیاسی هستم یا خیر. در کل من نویسنده‌ای هستم که تحت تأثیر سیاست هستم.»

گراس گفت: «در قرن بیستم ما شاهد هولناک‌ترین حوادث تاریخ بشر و پایمال شدن حقوق اقلیت‌ها بودیم. و این مسأله اکنون هم به پایان نرسیده است. نویسنده باید بتواند باورهای اقلیت‌ها، و نه فقط اکثریت، را بیان کند. نویسنده باید وظایف و مسئولیت‌هایش را به عنوان یک شهروند عهده‌دار شود. شاید شما نتوانید به ضد تبعیض و بی‌عدالتی آشکار در جامعه مقاله‌ای بنویسید، اما نشان دادن و برملا کردن آن جزء مسئولیت‌های نویسنده است.»

به عقیده گراس نویسنده از همه مسئولیت‌هایش باید آگاه باشد و یاشار کمال نیز گذشته از تأیید سخنان گراس، هنرمند را موظف به برخاستن در برابر بی‌عدالتی دانست.

یاشار کمال نیز در این رابطه گفت: «هر هنرمند واقعی باید در برابر جنگ و آزار به پا خیزد. هنر یک عمل رسواکننده است و نخستین اثر بشری که در برابر جنگ ایستاد، ایلید هومر بود.»

انستیتو فرهنگی گوته در راستای برنامه «ادبیات اروپائی به ترکیه می‌رود-ادبیات ترکیه به اروپا» در ۲۴ استان ترکیه جلسات مذاکره، کتاب‌خوانی و نمایش‌های موزیکال، با محور بودن آثار ادبی بیش از ۵۰ نویسنده سرشناس معاصر اروپائی از هشت کشور اتحادیه اروپا برگزار کرده بود. تشکیل این جلسه‌ها، به مخاطبان ادبیات اروپائی امکان ملاقات رودررو و صحبت با نویسندگان و هنرمندان را فراهم می‌آورد.

نظر گراس درباره مرگ

گونتر گراس در مصاحبه با فوکوس توضیح داده که هراسی از مرگ ندارد، اما از درد می‌ترسد و دوست دارد از دردها در سن کهولت در امان بماند.

وی همچنین گفته است این تصور که گرفتار فراموشی و زوال عقل شود و باری بر دوش خانواده‌اش باشد، برایش وحشتناک است.

گراس در این باره افزوده است: «تصور وحشتناک‌تر این است که آدم را با بیماری زوال عقل به حضور جمع ببرند، اتفاقی که برای والتر ینس افتاد، یکی از شرم‌آورترین و دردناک‌ترین وقایعی است که من تاکنون تجربه کرده‌ام.»

والتر ینس، نویسنده المانی و استاد دانشگاه در رشته خطابه و فن بیان، اهل شهر توینگن بود. وی مدت‌ها دچار بیماری زوال عقل بود و در سال ۲۰۱۳ در سن ۹۰ سالگی درگذشت.

اشپینگل نیز در یک مصاحبه ای آخرین سؤالش از گراس چنین بود: از پایان یافتن زندگی‌تان (مرگ) می‌ترسید؟

گراس: نه، من فهمیده‌ام که، آدم باید خودش را آماده کند. حتی در مورد خودم فهمیده‌ام که کمی کنجکاو می‌دارم. چی به سر نوه‌هایم خواهد آمد؟ نتایج فوتبال آخر هفته چه خواهد بود؟ البته مسلماً هنوز تفریحاتی هست که دوست دارم تجربه‌شان کنم. جیکوب گریم جمله جالبی در مورد بالا رفتن سن دارد، و من این جمله را در یکی دیگر از کارهایش هم دیدم: «آخرین نتیجه در کمین است.» این جمله مرا خیلی تحت‌تأثیر قرار داد و به یاد خودم افتادم. وقتی خوب فکر می‌کنم، می‌بینم چیزی برای ترسیدن ندارم!

در جمع‌بندی، ضمن تأسف از کمبود نویسندگانی چون گراس و کمال، می‌توان تأکید کرد که گراس، نویسنده‌ای صاحب سبک بود. وی درباره سبک خود گفته است: «من همیشه آگاه بوده‌ام که در کدام سنت ادبی قلم می‌زنم. در نثر روایتی تابع سنت رمان کلاسیک اروپائی هستم، رمان‌های پرماجرانی که در اندلس اسپانیا شروع شد. فکر

می‌کنم رمان الکساندرپلاتس (Alexanderplatz) و حتی اودیسه هومر هم به این سنت رمان‌های پرماجرا تعلق دارند، که می‌تواند در فاصله یک روز تمام دنیا را منعکس کند. این الگویی فناپذیر است که تا عصر جدید ادامه یافته و من هم خود را در متن آن می‌بینم.»

گونتر گراس، در جهان ادبیات، طرفداران زیادی یافته است به گونه‌ای که حتی «سلمان رشدی» نیز شاید به دلیل اقامت گراس بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ میلادی در کلکته هند، میان فقیرترین و محروم‌ترین مردم آنجا، خویش را شاگرد وی گفته است.

کمیته جایزه نوبل، در تقدیرنامه انتخاب گونتر گراس برای اهدای جایزه ادبیات سال ۱۹۹۹، استدلال کرده بود که «از زمان توماس مان تاکنون هیچ نویسنده آلمانی با چنین قدرتی از وجدان آزاد بشری سخن نگفته است. در زمانه‌ای که خرد به خواب رفته، این نویسنده همچنان با جدیت سرگرم روشنگری است.»

گراس از کمترین نویسندگان مهمی به شمار می‌رود که علاوه بر عرصه ادبیات و هنر، همواره در مسایل سیاسی و اجتماعی نیز در کنار کارگران و محرومان جامعه بوده است.

وقتی گونتر گراس، نه به عنوان نویسنده، بلکه مبارزی آرمان‌گرا، خیلی جدی و سخت‌گیر ظاهر می‌شود. قلم گونتر گراس، فریاد میلیون‌ها انسانی است که در اوج حاکمیت سیستم سرمایه‌داری، شدیداً استثمار می‌گردند و یا در فقر، گرسنگی، قحطی، جنگ، ترور و وحشت، روزگار سختی را می‌گذرانند.

پنجشنبه بیست و هفتم فروردین [حمل] ۱۳۹۴ - شانزدهم اپریل ۲۰۱۵